

بررسی بلوغ دختران از دیدگاه آیات و روایات

دکتر بهجت یزدخواستی / فریبا سلیمی / فرشته وحدانی

استادیار دانشگاه اصفهان / کارشناسی ارشد مطالعات زنان / کارشناسی ارشد مطالعات زنان

چکیده

موضوع مورد بررسی در این مقاله، سن ورود دختران به مرحله بلوغ است که مدت‌هاست ذهن اندیشمندان اسلامی و روان‌شناسی تربیتی و اجتماعی را به خود مشغول کرده است. مسئله اصلی این است که چرا در قرآن و روایات اسلامی شرط سنی ورود دختران و پسران به مرحله بلوغ به صورت قطعی و روشن بیان نشده است؟ این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا می‌کوشد با مراجعه به آیات و روایات و نظرات اندیشمندان اسلامی، به نقد و بررسی این موضوع بپردازد. با بررسی آیات و روایات استنباط می‌شود که ملاک رسیدن به بلوغ، سن نیست، بلکه باید به نشانه‌های آن توجه نمود که در افراد و مناطق مختلف متفاوت است. به همین دلیل، اسلام سن خاصی را برای بلوغ تعیین نمی‌کند، بلکه آن را به مشاهده نشانه‌هایی واگذار می‌کند که در افراد مختلف و محیط‌های گوناگون متفاوت است. کلیدواژه‌ها: بلوغ، رشد، بلوغ شرعی، بلوغ در قرآن، بلوغ در روایات.

مقدمه

بلوغ، اصطلاحی در فقه و حقوق است به معنای رسیدن انسان به مرحله‌ای از رشد که ملزم به رعایت قوانین شرعی یا عرفی باشد. بلوغ یکی از شرایط عمومی الزام به تکالیف و برخورداری از برخی حقوق است که اهلیت خوانده می‌شود.

برخی روایات نشان می‌دهد که صرفاً بروز نشانه‌های جسمانی به عنوان تحقق بلوغ و مبدأ زمانی تکلیف تلقی شده است. غالب فقیهان امامی با استناد به روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام، رسیدن به پانزده سالگی در پسران و نه سالگی در دختران را شرط بلوغ دانسته‌اند.

در قرآن کریم و احادیث و روایات، شرط سنی ورود به سن بلوغ و تکلیف برای دختران و پسران به صراحت مشخص نشده است. موضوع بلوغ با تعابیر مختلف در قرآن کریم در سوره‌های «نور»، «نساء»، «انعام» و «حج» اشاره شده است. با مراجعه به قرآن، محرز می‌شود که سن بلوغ و رشد، مطلق و از پیش تعیین شده نیست و امری نسبی است که وراثت، شرایط جغرافیایی و محیط اجتماعی و نوع تغذیه و نوع پرورش بر آن تأثیر می‌گذارد. بلوغ یک امر طبیعی است که در دختران با آمادگی برای تولید مثل مشخص می‌شود و مشخصه طبیعی آن نیز حیض است که علامت بلوغ جسمی دختران است. پس سن ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ سالگی که در روایات مختلف ذکر شده و فقهای شیعه به آن استناد کرده‌اند جای تأمل دارد. در تحقیقات مختلف علمی اثبات شده است که رسیدن به سن بلوغ به دوره معینی از رشد عقلی و جسمی بستگی دارد و تکامل بلوغ در دختران از سن نه تا شانزده سالگی رخ می‌دهد. نشانه‌های بلوغ در دختران در احادیث به صورت‌های متفاوت ذکر شده است:

۱. رسیدن به سن ۹، ۱۰ و ۱۳ سالگی؛

۲. قاعدگی بدون در نظر گرفتن سن؛

۳. قاعدگی با توجه به سن؛

۴. رشد عقلانی و جسمانی.

از آن رو که ملاک تشخیص سن بلوغ، مبانی اصیل اسلامی است، باید کارشناسان مسائل دینی هرچه سریع‌تر سن بلوغ و ورود به سن تکلیف را از طریق اجتهاد پویا مشخص نمایند و با توجه به اینکه اجتهاد پویا با مداخلات شرعی می‌تواند بر حسب مقتضیات زمان، قوانین را استخراج نماید، باید این مسئله حیاتی و ضروری، بخصوص برای دختران، هرچه زودتر توسط قانونگذار مشخص شود.

در سال‌های اخیر بحث‌های جدید و نسبتاً عمیقی درباره بلوغ دختران در قالب رساله، مقاله و کتاب به سامان رسیده که برخی به تثبیت نظریات پیشین منتهی شده و بعضی نیز نظریات جدیدی را مطرح نموده است. در ذیل، به چکیده برخی از این مباحث اشاره می‌شود:

در کتاب *حقوق اسلام؛ شرایط، تکلیف و مسئولیت*، نوشته عباسعلی محمودی ابتدا به علایم و نشانه‌های بلوغ که در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد، پرداخته شده و سپس سن بلوغ از نظر شیعه مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان، نگارنده سن را نشانه بلوغ ندانسته و علت اختلاف روایات در اشاره به سن بلوغ را تفاوت بین پرسشگران و منظور آنها در پرسش از سن بلوغ از امامان معصوم می‌داند. (محمودی، ۱۳۶۱)

در سال ۱۳۷۰ در «مجله ندا» مقاله‌ای تحت عنوان «سن برای ازدواج» چاپ شده که نویسنده، ضمن بحث در مورد بلوغ، به سن بلوغ در قانون

ایران پرداخته است. وی معتقد است در قانون مدنی پیش از اصلاحات سال ۱۳۶۱، سن بلوغ با توجه به شرایط اقلیمی قابل تغییر است، اما بعد از اصلاحات سال ۶۱ سن بلوغ دختران نه سالگی تعیین شده که قانونگذار آن را غیر قابل تغییر می‌داند. نویسنده در این مقاله سن بلوغ دختران را قابل تغییر می‌داند. (منتهاپی، ۱۳۷۰)

«مجله قضایی و حقوقی دادگستری» در سال ۱۳۷۱، در مقاله‌ای، به بررسی نشانه بودن سن بلوغ دختران پرداخت. نویسنده مقاله بر اساس روایات و آمارهایی که در مورد زمان قاعدگی دختران جمع‌آوری نموده، سن را نشانه تبعدی بلوغ نمی‌داند، بلکه اعتقاد دارد ملاک بلوغ دختران قاعدگی است. (مرعشی، ۱۳۷۱)

در سال ۱۳۷۱ مقاله‌ای با عنوان «سن بلوغ دختران» در «مجله تربیت» منتشر گردید. نویسنده با بررسی برخی آیات و روایات، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که نمی‌توان نه سالگی را سن بلوغ دختر دانست، بلکه بلوغ را باید بر اساس شواهد و نشانه‌های طبیعی در نظر گرفت و در پایان تأکید می‌کند که تعیین زمان خاص بلوغ بر عهده علمای دین است. (کریمی، ۱۳۷۱)

اثر دیگر در این زمینه، «رساله فی البلوغ وحده» نوشته عبدالعالی کرکی از فقهای قرن دهم می‌باشد. در این رساله، در مورد سن بلوغ دختران سخن به میان آمده است. نویسنده با بررسی رأی مشهور (نه سالگی) و دلایلی که بر خلاف آن ذکر شده، در پایان، بلوغ در نه سالگی را بر سایر دیدگاه‌ها ترجیح داده است. (مهریزی، ۱۳۷۶)

۱. عوامل مؤثر در بلوغ

نژاد، تغذیه، عوامل و شرایط فیزیکی و جغرافیایی و شرایط اجتماعی و بهداشتی در ظهور و بروز بلوغ تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود آمادگی جسمی در افراد در مناطق مختلف متفاوت باشد؛ برای مثال، در مناطق گرمسیر دختران و پسران زودتر از مناطق سردسیر به بلوغ می‌رسند و همچنین نوع تغذیه بر بلوغ افراد مؤثر است. افرادی که از تغذیه بهتری برخوردار باشند سن شروع بلوغ در آنها زودتر از افرادی است که از تغذیه مناسبی برخوردار نیستند. «تغذیه خوب خود عامل تسریع بلوغ است و عامل رفاه نیز در آن موثر است.» (قائم، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲)

همچنین از تحقیقات علمی ثابت شده است که افراد چاق زودتر نشانه‌های بلوغ را در خود می‌بینند. سن پیدایش بلوغ در نژادهای مختلف نیز متفاوت است و عوامل محیطی، شرایط ارثی و خانوادگی و تغذیه‌ای در نژادهای مختلف بر سن بلوغ تأثیر می‌گذارد. «بررسی‌هایی که در این رابطه صورت گرفته نشان داده است که جنبه‌های ارثی و ژنتیکی به ویژه از سوی مادران در این امر نقش اساسی دارد. در مورد عامل نژاد، تحقیقات نشان داده که سیاه‌پوستان در بلوغ پیش‌ترند. همچنین فقر و غنا نیز در پیش‌رسی بلوغ مؤثرند؛ مثلاً، در کشور غنا طبقه فقیر به طور متوسط در ۱۳/۳ سالگی و طبقه ثروتمند در ۱۲/۵ سالگی و طبقه متوسط در ۱۲/۸ سالگی بالغ می‌شوند.» (قائم، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲) ولی آنچه بیش از همه مورد توجه است اینکه بلوغ بیش از آنکه به شرایط محیطی و جغرافیایی بستگی داشته باشد، به نوع تغذیه و شرایط اجتماعی و خانوادگی و بهداشتی وابسته است.

در این‌باره یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد: نژاد، تغذیه و عوامل فیزیکی و

روانی موجود در محیط زندگی نیز در زمان ظهور بلوغ و میزان ترشح هورمون‌های مربوط اثر می‌گذارد. مثلاً، ویتامین E را از جمله عوامل تغذیه‌ای مؤثر به شمار می‌آورند. همچنین نژاد، عوامل فیزیکی و محیط جغرافیایی در بعضی از اقوام مناطق گرمسیر نزدیک خط استوا موجب بلوغ زودرس می‌شود. آثار بلوغ جسمانی دختران در حبشه، که از ممالک آفریقایی به شدت گرمسیر است، در نه یا ده سالگی بروز می‌کند، در حالی که در لابونی، شمالی‌ترین منطقه اروپا در شمال شبه‌جزیره اسکانندیناوی، در هجده سالگی رخ می‌دهد. وضع نامساعد اخلاقی در اجتماعات بی‌بند و بار نیز باعث بلوغ زودرس در آن جوامع می‌شود. (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۳ و ۱۳۲)

به نظر می‌رسد که در بررسی بلوغ باید بر دو عامل اساسی «فیزیولوژیکی» و «محیطی و جغرافیایی» که در تسریع و یا تأخیر بلوغ نقش اساسی دارند تکیه نمود.

عوامل مؤثر بر بلوغ

عوامل محیطی و جغرافیایی	فیزیولوژیک
آب و هوا و عوامل طبیعی	ژنتیک
عوامل بهداشتی	تغذیه
عوامل اجتماعی و خانوادگی	نژاد
شرایط بهداشتی	
عوامل اجتماعی	

از آن‌رو که بلوغ به عوامل متعدد وابسته است، شاخص‌های عوامل مؤثر در تأخیر و تسریع آن را به صورت تطبیقی در ذیل می‌آوریم:

عوامل مؤثر بر تأخیر و تسریع بلوغ

عوامل مرتبط	تأخیر بلوغ	تسریع بلوغ
عوامل بهداشتی	تغذیه نامناسب	تغذیه خوب
عوامل فیزیولوژیک	لاغری	چاقی
عوامل جغرافیایی	آب و هوای سردسیری	آب و هوای گرمسیری
عوامل اجتماعی	غنا	فقر
عوامل ژنتیک	نژاد سفیدپوست	نژاد سیاهپوست
عوامل مذهبی	-----	شرایط نامناسب اخلاقی

۲. بررسی بلوغ از دیدگاه‌های مختلف

۲-۱. بلوغ جسمی و بلوغ شرعی

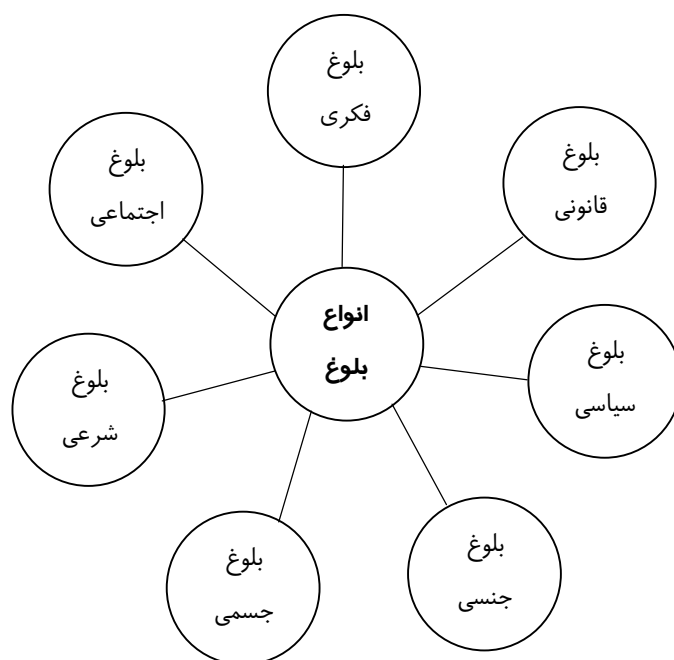
شرعاً، عقلاً و طبعاً مرد و زنی را بالغ گویند که امکان تولید مثل در او تحقق یافته باشد و آیات و اخبار به طور واضح و صریح بر این معنا دلالت دارند. چون بلوغ به معنای «رسیدن» است و جز رسیدن مذکر و مؤنث به مرتبه مرد بودن و زن بودن، مفهوم دیگری ندارد و رسیدن به این مرحله چیز دیگری نیست جز امکان تولید مثل، این امر تحقق نمی‌یابد مگر به علامت قطعی و کشف حقیقی، که در این صورت، مکلف باید به احکام مربوطه عمل نماید. این علامت، در مرد منحصر به احتلام و در زن به دیدن خون حیض است که غذای جنین در رحم می‌گردد و آن دلیلی است که زن به حد بلوغ و قابلیت تولید انسان رسیده است. بلوغ یک امر طبیعی است و وظیفه شارع تعیین موضوع نیست و اینکه شارع احتلام و حیض را دلیل بلوغ شناخته، مسئله طبیعی و نشانه طبیعی آن را بیان کرده است. بنابراین، تعیین آن به عدد سال، خارج از قانون طبیعت است؛ زیرا آفاق و نژادها و طبایع و

قوه و ضعف در قرب و بعد زمانی بلوغ تأثیر عمیق دارد و کاملاً مختلف می‌گردد و با سن نمی‌توان آن را تعیین نمود، ولی احتلام و حیض مربوط به مرد و زن بودن را کاملاً معلوم می‌کند. به هر حال، نشانه طبیعی که شارع هم باید آن را تأیید و تقریر کند - چنان که کرده است - همان احتلام و حیض است در هر سنی که تحقق یابد. در آن هنگام، شخص مکلف به انجام وظایف شرعی می‌گردد و حسنات و سیئاتش ثبت می‌شود و اعمالش منشأ آثار خواهد بود. (موسوی غروی، ۱۳۷۳، ص ۵۸۲ و ۵۸۳) علاوه بر این، آیا دختر که باید پیش از پسر کسب نیرو کند و قوایش از تمام جهات کامل گردد تا توان حمل و حضانت و تربیت فرزندان سالم و قوی را داشته باشد و نیروی جامعه فعال را تأمین نماید، اگر از نه سالگی او را به روزه، حج و سایر فرایض تکلیف، الزام کنیم، چنین نیرویی را به دست خواهد آورد و آیا اندک نیرویی هم که دارد در اثر تکالیف ایجابی از دست نمی‌دهد؟ (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۰-۲۲۱) پس باید این اصل را بپذیریم که بلوغ دختر یک امر طبیعی است نه تشریعی، و احکام شرع بر اساس عقل است و هیچ عقلی نمی‌پذیرد که دختر در نه سالگی بالغ شود، و شرع نیز انجام تکالیف را مشروط به توانایی و وسع می‌داند. بنابراین، اجبار دختر نه ساله در بجا آوردن تمام تکالیف شرعی عسر و حرج است نه وسع و یسر. چنان که شیخ صدوق هم به صراحت می‌گوید: بلوغ مرد به احتلام و بلوغ زن به حیض است و قبل از آن عبادات پسر و دختر تمرینی و تأدیبی است نه واجب و تکلیفی. (همان، ص ۲۲۲)

بنابراین، بلوغ یک امر تکوینی است نه تعبدی و چون یک امر تکوینی است نمی‌توانیم سن خاصی را برای آن در نظر بگیریم، بلکه شرایط منطقه‌ای، آب و هوایی، بهداشتی، تغذیه‌ای و ژنتیکی در زود یا دیر بودن آن مؤثر است. پس

نمی‌توانیم یک قاعده کلی برای همه در همه نقاط بدون توجه به این شرایط در نظر بگیریم، چه بسا ممکن است در بعضی از مناطق گرمسیر دختران قبل از نه سالگی به بلوغ برسند و در مناطق دیگر، در ۱۳ سالگی هم نشانه‌های بلوغ در آنها دیده نشود. بنابراین، به جای تعیین سن خاص برای بلوغ، باید آن را به دیده شدن نشانه‌های آن واگذار کنیم.

شاخص‌های بلوغ



تحلیل محتوای نشانه‌های بلوغ

عوامل مورد تأکید	نظر قرآن، امامان، مراجع تقلید و بزرگان دین در مورد بلوغ	
عامل فیزیولوژیکی	تأکید بر نشانه‌های طبیعی و ذاتی بلوغ بدون ذکر سن خاص	قرآن
سن، عامل فیزیولوژیکی	وجوب روزه با احتلام پسر و حیض دختر، رسیدن دختر و پسر به ۱۲-۱۳ سالگی، رسیدن به مرحله رشد و ۱۴ سال تمام	امام صادق <small>علیه السلام</small>
عامل فیزیولوژیکی	منظور از حیض، بلوغ دختر است	امام علی <small>علیه السلام</small>
سن، عامل فیزیولوژیکی	جاری شدن احکام در ۱۳-۱۴ سالگی، واجب شدن پوشش برای دختر با حیض	امام باقر <small>علیه السلام</small>
عامل فیزیولوژیکی	بلوغ مرد با احتلام و زن با حیض	شیخ صدوق
سن	سن بلوغ پسران ۱۵ سالگی و دختران ۹ سالگی	شیخ طوسی
عامل فیزیولوژیکی	رسیدن به استطاعت نکاح، رسیدن پسر به حد مردان و دختر به حد زنان	رشیدالدین میبیدی
اخلاقی و معنوی	بلوغ سنی مراتب متفاوتی نسبت به تکالیف مختلف دارد	فیض کاشانی
سن، عامل فیزیولوژیکی	ملاک صغیر بودن دختر سن کمتر از ۹ سال است؛ چون در کمتر از این سن حیض نمی‌بیند	علامه حلی

با بررسی عوامل، می‌توان به این نتیجه رسید که بیشترین تأکید بر عوامل فیزیولوژیکی است و سهم سایر عوامل کمرنگ‌تر است.

۲-۲. بلوغ از نظر قانون

بلوغ در حقوق اسلام یک پدیده طبیعی و فیزیولوژیکی است که زمان آن در همه جا و همه کس یکسان نیست. البته برای استقلال در امر ازدواج، تنها رسیدن به سن بلوغ در فقه امامیه کافی نیست، بلکه علاوه بر آن، دختر و پسر باید «رسیده» باشند؛ یعنی بتوانند مصلحت خود را تشخیص دهند و عقل معاش داشته باشند. (صفایی، ۱۳۸۰، ص ۶۸) برابر تبصره ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال قمری است و ماده ۱۰۴۱ اصلاحی بدون آنکه سن بلوغ را که قابل ایراد می‌باشد تغییر دهد، سن ازدواج را تغییر داده و ازدواج دختر قبل از ۱۳ سال شمسی و پسر پیش از رسیدن به ۱۵ سال تمام شمسی را موقوف به اذن ولی و اجازه دادگاه دانسته است. این امر تحولی در حقوق خانواده به شمار می‌آید و می‌تواند مانع ازدواج‌های نامناسب در سنین پایین شود. (صفایی و امامی، ۱۳۸۴، ص ۷۳)

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی می‌گوید: نکاح قبل از بلوغ ممنوع است. در تبصره این ماده نیز آمده است: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح است. بر اساس این دو ماده، پسر و دختری که به سن بلوغ نرسیده‌اند نمی‌توانند عقد نکاح کنند، مگر اینکه ولی با در نظر گرفتن مصلحت آنها اقدام به نکاح صغیر کند و او را به عقد دیگری درآورد. این ماده در سال ۱۳۶۱ اصلاح گردید و سن قانونی ازدواج، سن بلوغ در نظر گرفته شد. بر اساس این ماده، پدر و جد پدری به عنوان ولی می‌توانند دختر و پسر صغیر را به ازدواج دیگری در آورند.

ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی (اصلاح سال ۱۳۶۱) می‌گوید: هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد، محجور نمود، مگر آنکه

عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

در تبصره ۱ این ماده آمده است: سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.

تبصره ۲ نیز می‌گوید: اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به وی داد که رشد او ثابت شده باشد. (منصور، ۱۳۸۷)

۲-۳. بلوغ در قرآن

در قرآن، در هیچ آیه‌ای مسئله سن مطرح نشده است، بلکه تأکید بر نشانه‌های طبیعی و ذاتی است. خروج از کودکی و تصرفات مالی، با بلوغ اشد است و تکیه بر وجوب و حلال و حرام با بلوغ حلم، و امکان توانایی اداره خانواده و زندگی با بلوغ نکاح. (قائمی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵)

در قرآن و سنت، تعریف بلوغ نیامده است، همان‌گونه که در علم روز نیز از آن تعریف درستی در دست نیست، بلکه تأکید اصلی بر بروز نشانه‌های طبیعی و خارجی در افراد است؛ با این تفاوت که شرع در صورت بروز و ظهور آن علایم، توصیه‌ها و تعالیمی دارد که آگاهی از این تعالیم و رعایت آنها لازم و ضروری است.

در قرآن، در آیات متعدد به لغت «اشد» برمی‌خوریم که از ماده شدت است به معنای نیرومند شدن (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ص ۳۹) و برخی از مفسران، آن را به معنای بلوغ و یا نوعی ویژه از آن دانسته‌اند. مرحوم علامه طباطبائی آن را به معنای ابتدای بلوغ و جوانی (مرز سنی ۱۸ سالگی) گرفته و آیه ۲۲ از سوره «یوسف» را مستند آن ذکر کرده است. (طباطبائی، ۱۴۸۹، ج ۲۱، ص ۱۸۶) در تفسیر نمونه نیز آمده است: بلوغ اشد این است که انسان از نظر قوای جسمانی به سرحد

کمال برسد و این در سن ۱۸ سالگی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ص ۱۳۹) همان‌گونه که اشاره شد، در قرآن کریم از حالت بلوغ، چه در دختر و چه در پسر، به «بلوغ اشد» تعبیر شده است؛ یعنی رسیدن به حالت استواری مردی یا زنانگی: «حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ» (انعام: ۱۵۲) و نیز «بَلَّغُوا النِّكَاحَ» (نساء: ۶)؛ یعنی رسیدن به حالت قابل ازدواج. ترجمه متن کامل آیه چنین است: یتیمان را بیازماید تا به حد نکاح برسند؛ اگر رشدی در ایشان یافتید اموالشان را به آنان تسلیم کنید. در آیه ۵۹ سوره «نور» خداوند چنین می‌فرماید: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا»؛ چون کودکان به بلوغ رسیدند و محتلم شدند، در ورود به خانه‌ها باید اجازه بگیرند.

از معنای آیه دانسته می‌شود که بلوغ انسان وقتی آغاز می‌گردد که دوران کودکی بکلی پایان پذیرد و دگرگونی جسمی و روانی در وی پدیدار شود و بر عمل زناشویی توانا گردد. (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۳۷-۳۸)

نگاهی ساده و اجمالی به این آیات، نشان می‌دهد که تصریح قرآن در زمینه ارائه ملاکی برای ورود به سن بزرگسالی برای پذیرش مسئولیت و برخورداری از حقوق عمومی، همانا تأکید بر آمادگی فرد برای ازدواج است. قرآن سن مشخصی برای ازدواج مشخص ننموده است، بلکه به توانایی‌ها و آمادگی‌های فرد تأکید کرده است. با توجه به شرایط ارثی، محیطی، جغرافیایی و اجتماعی، افراد در سنین متفاوتی دارای این توانایی‌ها می‌شوند.

در ذیل، به برخی از آیات قرآن در این زمینه اشاره می‌شود:

- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ» (حج: ۵)؛ ای مردم، اگر شما در روز قیامت و قدرت

خدا بر برانگیخته شدن مردگان شک دارید، بدانید که شما را ابتدا از خاک آفریدیم، آنگاه از نطفه، سپس از خون بسته، بعد از پاره گوشت تمام و ناتمام، تا قدرت خود را بر شما آشکار سازیم و از نطفه‌ها آنچه را مشیت ما تعلق گیرد در رحم‌ها قرار دهیم، تا در وقتی معین، کودکی از رحم بیرون آوریم تا زندگی کرده به حد کمال و به حد رشد رسد. (حبیبیان، ۱۳۸۰، ص ۸۱-۸۳)

- «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ» (اسراء: ۳۳)؛ به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر آنکه راه بهتری را برگزینید تا آنکه به حد رشد برسند.
- «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نُجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۲۲)؛ چون یوسف به رشد رسید، او را حکمفرمایی و دانش بخشیدیم و چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

کلمه «اشد» را به معنای رسیدن به کمال و قوت در تمامی نیروها و استعدادها ذکر کرده و آن را همان مرحله تسویه خوانده‌اند؛ یعنی دوره‌ای که آدمی بحران‌ها را پشت سرگذاشته و به نوعی تعادل می‌رسد؛ و این معنای اخیر، همان است که ما از آن به عنوان دوران پس از بلوغ یا دوران آرامش نسبی یاد می‌کنیم. (قائمی، ۱۳۸۰، ص ۲۹)

- «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نُجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص: ۱۳)؛ به هنگامی که موسی به رشد رسید و کمال یافت، ما به او حکم و علم بخشیدیم و چنین به مردم نیکوکار پاداش دهیم.

- «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِمَ تَكُونُوا شُيُوخًا» (غافر: ۶۷)؛ او خدایی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، آنگاه از خون بسته، پس از آن شما را از رحم مادر، کودکی بیرون آورد، تا آنکه به رشد رسیده و سپس پیر شوید.

۱-۳-۲. تحلیل و بررسی آیات: با بررسی اجمالی در آیات قرآن روشن می‌شود که اولاً، واژه تکلیف به آن معنای اصطلاحی که در لسان عامه مورد استفاده قرار گرفته و به معنای پذیرش مسئولیت احکام شرعی است، به هیچ وجه به چشم نمی‌خورد. ثانیاً، عدد سنی بخصوصی (مثلاً نه سالگی در دختران و پانزده سالگی در پسران) در پذیرش مسئولیت احکام شرعی در قرآن قید نشده است.

اما در مورد دو اصطلاح «بلوغ» و «رشد»، آیات روشنی از قرآن کریم می‌توان یافت. در قرآن کریم، بلوغ به سه صورت به کار رفته است:

الف. بلوغ ازدواج؛ یعنی تا آن زمان که به سر حد نکاح برسند. (ر.ک. نساء: ۵)

ب. بلوغ احتلام یا بلوغ جنسی؛ یعنی آنگاه که کودکان شما به حد احتلام

رسیدند. (ر.ک. نور: ۵۹)

ج. بلوغ اشد یا استحکام یا نیروی جوانی؛ یعنی تا وقتی که به قوت خویش

برسد. (ر.ک. انعام: ۱۵۲)

شایان ذکر است عبارت «یبلغ اشد» (بلوغ اشد) هفت بار، «بلغ ... الحلم»

(بلوغ احتلام) دو بار و «ابلغواالنکاح» (بلوغ ازدواج) یک بار در قرآن کریم آمده

است. (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۷)

با این آیات، روشن می‌شود که شارع، حکم فوق طاققت نمی‌کند. شریعتی که احکامش حمایت از ضعیف است، باید در تمام آن احکام این حمایت متجلی گردد. آیا می‌توانیم ادعا کنیم که اسلام ضامن حفظ جان، سلامت، بهداشت و تکامل جسم و روح و تأمین و جمیع اسباب و عوامل ارتقای بشر است، ولی وقتی احکامش را عرضه کنیم در بین آنها حکمی اینچنین یافت شود که دختر نه ساله مکلف است و باید به تمام احکام عمل نماید و اگر در مقام تخلف برآمد حکم

تعزیر بر او جاری گردد؟ (موسوی غروی، ۱۳۷۳، ص ۵۸۵)

بلوغ در آیات قرآن

تفسیر آیه	معنای آیه	آیات قرآن
زمان ابتدایی بلوغ و جوانی	بلوغ اشد	آیه ۲۲ سوره یوسف
رسیدن به حالت استواری مردی یا زنانگی	بلوغ اشد	آیه ۱۵۲ سوره انعام
رسیدن به حالت قابل ازدواج	بلوغ نکاح	آیه ۶ سوره نساء
بلوغ انسان با پایان یافتن دوره کودکی دگرگونی جسمی و روانی و توانایی زناشویی	چون کودکان به بلوغ رسیدند در ورود به خانه‌ها باید اجازه بگیرند	آیه ۵۹ سوره نور
اشد به معنای رسیدن به کمال و قوت در تمامی نیروها و استعدادها یا مرحله تسویه و پشت‌سر گذاشتن بحران‌ها و رسیدن به تعادل (برگرفته از کتاب دنیای بلوغ، نوشته علی قائمی)	رسیدن به حد رشد و کمال	آیه ۵ سوره حج
	رسیدن یتیمان به حد رشد	آیه ۳۴ سوره اسراء
	رسیدن یوسف به حد رشد	آیه ۲۲ سوره یوسف
	رسیدن موسی به حد رشد و کمال	آیه ۱۳ سوره قصص
	رسیدن انسان به رشد	آیه ۶۷ سوره غافر

۲-۴. بلوغ در روایات

بر اساس تحقیقی که در مورد بلوغ دختران صورت گرفته است، بالغ بر ۲۰۰ روایت وجود دارد که در اکثر آنها سن بلوغ شرعی دختران نه سال تمام ذکر شده است. البته برخی از آنها، سنین بالاتری از جمله ده و سیزده سالگی را نیز ذکر کرده‌اند. شرط رفع یتیمی از دختر، رشدی است که منجر به امکان ازدواج و زناشویی باشد و آن در سنین کمتر از نه سال تمام نیست. در چنین صورتی، خرید و فروش برای او مجاز و حدود الهی درباره‌اش قابل اقامه است: «ان الجاریه اذا تزوجت و دخل بها و لها تسع سنین - ذهب علیها الیتیم - و دفع الیها مالها و جاز امرها فی الشراء و البیع اقیمت علیها الحدود التامه و اخذ لها و بها.» (عاملی، ۱۳۴۸، ج ۱۳، ص ۴۳۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «رفع عن امتی ... و ما لا یطبعون»؛ از امت من تکالیفی که طاقتش را ندارند برداشته شد.

آن حضرت همچنین می‌فرماید: «بعثت الحنیفیه - السهله السمحه»؛ من به دین آسان و روان مبعوث شده‌ام.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «علی الصبی اذا احتلم الصیام و علی الجاریه اذا خاضت الصیام»؛ بر پسر وقتی روزه واجب می‌گردد که محتلم شود و بر دختر هنگامی که حائض گردد. (موسوی غروی، ۱۳۷۳، ص ۶۰۲)

حضرت علی علیه السلام هم می‌فرماید: «اذا حاضت الجاریه فلا تصلی الا بخمار».
صاحب وسایل در ذیل این حدیث می‌گوید: «و الحیض المراد به البلوغ»؛ مراد از حیض، بلوغ دختر است. (همان)

شیخ طوسی، فقیه بزرگ شیعه، سن بلوغ را در پسران ۱۵ سالگی و دختران ۹ سالگی می‌داند. ابوالفضل رشیدالدین میبیدی صاحب *کشف الاسرار و عدة الاپرار* درباره نشانه‌های بلوغ می‌گوید: آنکه به استطاعت نکاح رسد، پسر به حد مردان

رسد و دختر به حد زنان و هر دو نشان بلوغ در خود ببینند. نشان بلوغ آن است که یکی از پنج سبب در خود ببینند: احتلام، سن، انبات (رویدن موی) و حیض و حبل (آبستن). اما احتلام، سن و انبات، هم مردان راست و هم زنان را و حیض و حبل خاص زنان است. (مهريزي، ۱۳۷۶، ص ۴۱-۴۲)

از طلحه پسر زید روایت شده که امام صادق عليه السلام فرمود: فرزندان مسلمانان، اعم از دختر و پسر، نزد خداوند معلوم و موسومند، شفاعت‌کننده و شفاعت‌شده هستند؛ پس هرگاه به سن دوازده سالگی برسند برای آنان حسنات و نیکی‌ها نوشته می‌شود و وقتی به حد احتلام برسند گناهانشان هم به پای آنان نوشته می‌شود. (همان، ص ۵۵-۵۶)

از این روایت معلوم می‌شود که کارهای نیک پسر و دختر تا سن دوازده سالگی پاداش دارد، ولی مسئولیت حقوقی و جزایی ندارند و وقتی محتمل گردند مسئول گناهان ارتكابی خود نیز می‌باشند.

ابی حمزه به امام باقر عليه السلام عرض کرد: فدایت شوم، چه موقع احکام بر کودکان جاری گردد؟ امام فرمودند: در سیزده، چهارده سالگی. ابن حمزه پرسید: هر چند محتمل نشود؟ امام پاسخ دادند: بله، گرچه محتمل نشود احکام بر وی جاری گردد. سباباطی از حضرت صادق عليه السلام پرسید: چه وقت نماز بر پسر واجب می‌شود؟ فرمود: وقتی به سیزده سالگی برسد. البته اگر پیش از این محتمل شود نماز بر وی واجب می‌شود و دختر نیز چنین است؛ وقتی به سیزده سالگی می‌رسد نماز بر او واجب می‌شود، مگر اینکه قبلاً حیض شده باشد. (مهريزي، ۱۳۷۶، ص ۱۱ / حبیبیان، ۱۳۸۰، ص ۸۵-۸۶)

در میان فقهای متأخر، فقط فیض کاشانی است که با رأی مشهور مخالفت کرده و اختلاف روایات را بدین‌گونه حل کرده است: جمع بین روایات ایجاب می‌کند بلوغ سنی مراتب مختلفی نسبت به تکالیف مختلف داشته باشد؛ همان‌گونه

که از احادیث روزه به دست می‌آید که بر دختر قبل از پایان سیزده سالگی روزه واجب نیست، مگر قبل از این سن حیض شود. نیز از روایات حدود استفاده می‌گردد که در نه سالگی، حد بر دختران جاری است و روایات دیگری در باب وصیت دلالت دارند که از فرد ده ساله این قراردادها صحیح است. (مه‌ریزی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۳)

علامه حلی رحمته‌الله در همین زمینه می‌فرماید: معیار صغیر بودن دختران، سن کمتر از نه سال است؛ زیرا دختر در کمتر از نه سال، خون حیض نمی‌بیند و دیده نشده که دختری کمتر از نه سال خون ببیند. خداوند بدین جهت خون حیض را آفرید که غذای جنین باشد. پس حکمت در آفرینش خون حیض، تربیت و نمو جنین در رحم زن است و دختران در کمتر از نه سال، توان بارداری ندارند. از این رو، خون حیض در آنان آفریده نمی‌شود؛ همانند منی در پسران. این دو (خون حیض و منی) در سن خردسالی وجود ندارد. این دو حالت، دلیل و نشانه بلوغ می‌باشد و پایین‌ترین سنی که دختران ممکن است خون ببینند نه سالگی است. پس کمترین سن حیض، نه سال است. از این رو، احتمال بلوغ دختران در این سن، مطرح گردیده است. (معرفت، ۱۳۷۳)

از این بیانات روشن‌بینانه علامه حلی به‌خوبی آشکار می‌گردد که معیار اصلی در بلوغ دختران، همان دیدن خون است که معادل احتلام در پسران است و مطرح شدن سن، ناظر به کمترین حد ممکن برای تحقق حیض در دختران و احتلام در پسران است و بس.

این روایات اتفاق نظر دارند بر آنکه پسر از نه سالگی تا ۱۴ یا ۱۵ سالگی تا وقتی به حد احتلام برسد و نیز دختر تا وقتی که خون ببیند وادار به روزه گرفتن شوند، ولی وجوب شرعی روزه به پسر پس از احتلام و در دختر پس از حیض ثابت می‌گردد و پیش از آن جنبه تربیتی دارد و در حد تأدیب است نه وجوب و

تکلیف. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۶)

امام صادق علیه السلام می فرماید: وقتی کودک به مرحله رشد رسید، یعنی سیزده سال او تمام و وارد چهارده سالگی شد، بر او واجب می شود آنچه بر مسلمانان واجب است. (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۹)

ابوحمزه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: در چه زمانی احکام بر کودکان واجب می شود؟ حضرت فرمود: در سیزده چهارده سالگی. گفتم: در آن سن محتلم نشده اند. فرمود: احکام بر آنان جاری می شود، اگرچه محتلم نشده باشند و دلالت این حدیث، مبتنی بر این است که صبیان شامل دختران نیز می شود. اما صبیان مفهوم عام دارد، گرچه از نظر قواعد دستوری، جمع مکسر مذکر است و مفرد آن صبی است و نه صبیبه. ولی عرف مردم هم صبی و هم در صبیبه به کار می برند و معمولاً مترادف اطفال و کودکان به کار می رود. (همان، ص ۱۷۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که پسر سیزده ساله شد، خوبی ها و بدی های او نوشته می شود و بر بدی ها کیفر می شود. زمانی که دختر نه ساله شد همان حکم را دارد؛ زیرا در نه سالگی حیض می شود.

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگامی که دختر نه ساله شد کودکی او پایان می پذیرد و ازدواج می کند. نیز ایشان می فرماید: به درستی که دختر مانند پسر نیست؛ همانا دختر نه ساله هنگامی که ازدواج و پیوند زناشویی برقرار کرد از کودکی خارج شده و دارایی او را می توان به او واگذار کرد و خرید و فروش او نافذ است و حدود تامه بر او جاری می شود و برای او نیز علیه دیگری حدود تامه اجرا می شود. (همان، ص ۸۵-۸۶)

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از حضرت علی علیه السلام روایت کرد که فرمود: با دختر کمتر از ده سال همبستری روا نیست و اگر این کار انجام شد و

دختر آسیب دید مرد ضامن است. (همان، ص ۹۶) همچنین ایشان می‌فرماید: پسر وقتی محتلم شد باید روزه بگیرد و دختر وقتی حیض شد روزه و پوشش بر او واجب می‌شود. (همان، ص ۹۸)

از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمود: دختر هنگامی که حیض شد نباید بدون حجاب باشد. مگر آنکه وسیله پوشش نباشد. امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید: پسر از هنگامی که محتلم می‌شود بر او حج واجب است و دختر هم از زمانی که خون حیض دید بر او حج واجب می‌شود. (همان، ص ۱۰۰)

حمران بن اعین می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: پس چه زمانی اجرای حدود کامل بر دختر واجب می‌شود و می‌توان او را بازخواست کرد و به سود او بازخواست کرد؟ حضرت فرمود: دختر مانند پسر نیست؛ زیرا هرگاه دختر، ازدواج کند و در نه سالگی با او نزدیکی شود یتیمی او از بین می‌رود، مالش به او داده می‌شود. کار او در خرید و فروش نافذ است و به سود او، دیگری بازخواست، و او به سود دیگری مورد بازخواست قرار می‌گیرد. (عاملی، ۱۳۴۷، ج ۱، باب ۴)

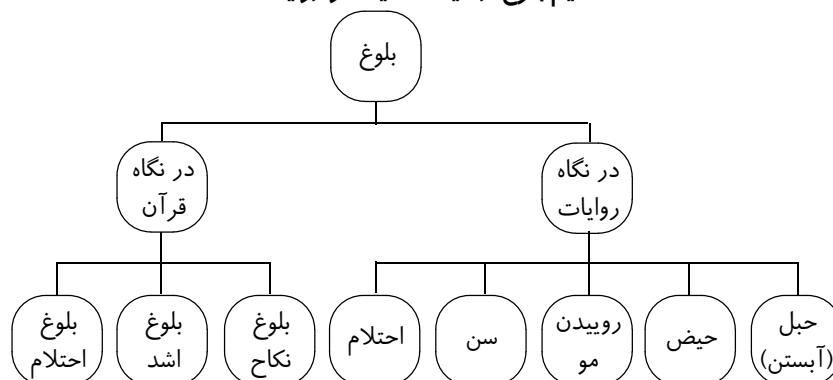
مقصود از ازدواج دختر و همبستری، تأکید ورزیدن به محقق شدن بلوغ او در نه سالگی است، نه اینکه ازدواج و همبستری، شرط بلوغ او باشد. تأکید این روایت بر بیان حال دختر و تبیین زمانی است که بتوان اموالش را به او داد و خرید و فروش او نافذ شود.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام چنین روایت کند: هرگاه پسر به سیزده سالگی برسد، کار نیک و بد او نوشته می‌شود و در صورت نافرمانی کیفر می‌شود. دختر نیز هرگاه به نه سالگی برسد چنین است؛ زیرا او در این سن حیض می‌شود. (همان، ج ۱۳، باب ۴۴)

بلوغ در روایات

تفسیر آن	معنای روایت	راوی
شرط رفع یتیمی از دختر، رشد منجر به ازدواج و زناشویی است که کمتر از ۹ سال امکان ندارد.	ازدواج و رفع یتیمی با رسیدن به ۹ سالگی	حر عاملی
مراد از حیض، بلوغ دختر است. (از صاحب وسایل)	واجب شدن روزه بر پسر با احتلام و دختر با حیض	امام صادق <small>علیه السلام</small>
داشتن استطاعت نکاح، پسر رسیدن به حد مردان و دختر رسیدن به حد زنان، با دیدن نشانه‌های بلوغ.	نشانه‌های بلوغ شامل احتلام، سن، انبات (رویدن مو) و حیض و حبل (آبستن)	رشیدالدین میبیدی
کارهای نیک پسر و دختر تا ۱۲ سالگی پاداش دارد، ولی مسئولیت حقوقی و جزایی ندارد. تا قبل از این سن مسئولیت حقوقی ندارند.	نوشتن حسنات و نیکی‌ها با رسیدن به ۱۲ سالگی و نوشتن گناهان پس از محتمل شدن	طلحه پسر زید به نقل از امام صادق <small>علیه السلام</small>
واجب شدن نماز با رسیدن به بلوغ، که نشانه آن با حیض و احتلام است.	در ۱۳-۱۴ سالگی احکام بر کودکان جاری می‌شود	ابی حمزه به نقل از امام باقر <small>علیه السلام</small>
بلوغ سنی مراتب مختلفی نسبت به تکالیف مختلف دارد.	در ۱۳ سالگی بر دختر و پسر نماز واجب می‌شود، مگر اینکه قبل از این پسر محتمل و دختر حیض شده باشد.	ساباطی از امام صادق <small>علیه السلام</small>
معیار اصلی بلوغ، حیض است که در کمتر از ۹ سالگی اتفاق نمی‌افتد و کمتر از ۹ سال امکان بارداری در دختران وجود ندارد.	مراتب مختلف بلوغ	فیض کاشانی
واجب شدن احکام با اتمام ۱۳ سالگی	معیار صغیر بودن دختر سن کمتر از ۹ سال است	علامه حلی
	رسیدن کودک به مرحله رشد؛ یعنی ۱۳ سال تمام	امام صادق <small>علیه السلام</small>

علائم بلوغ از دیدگاه آیات و روایات



۴-۲-۴-۱. سن مهم‌ترین شاخص قابل بررسی در روایات: ۹ سال، نه نشانه طبیعی بلوغ است و نه شرعی؛ چون آنچه که نشانه طبیعی باشد باید در غالب افراد وجود داشته باشد، در حالی که در ایران طبق تحقیقات به عمل آمده ۴۲/۹ درصد دختران ایرانی تا یازده سالگی رویدن موی زهار (یکی از نشانه‌های بلوغ) را ندارند. اگر قاعدگی را نشانه بلوغ بدانیم، میانگین سن قاعدگی دختران ۱۳/۲۵ سالگی است. البته در مناطق سردسیر کمی دیرتر و در مناطق گرمسیر کمی زودتر واقع می‌شود، ولی معمولاً دختران در کمتر از ۱۳ سالگی قاعده نمی‌شوند. بنابراین، نه سالگی چون نشانه عمومی و غالب نیست نمی‌تواند یک آمار طبیعی برای رسیدن به سن بلوغ باشد. آنچه ملاک است قاعدگی است و به تبع آن، سن؛ بنابراین، سن تابع است. نه سالگی خود به تنهایی موضوعیت ندارد، بلکه آنچه مهم است ملاک زن بودن و خارج شدن از کودکی و ایجاد آمادگی برای ازدواج است که با آمادگی جنسی که همان قاعدگی است واقع می‌شود.

در واقع، جهانی بودن دین اسلام و تفاوت رشد دختران در نواحی مختلف جهان و شرایط جغرافیایی متفاوت نشان می‌دهد تأکید بر سن خاص به عنوان آمار تبعیدی نمی‌تواند مد نظر باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اسماء دختر ابوبکر فرمود: هر گاه زن به حیض رسد شایسته و درست نیست که از بدن او چیزی دیده شود (نامحرم ببیند) مگر این [و اشاره کرد به صورت و دو کف؛ یعنی تا مچ دست‌ها]. نیز فرمود: نماز زنی که حائض شده باشد قبول نمی‌گردد، مگر با سرپوش (مقنعه). از این سخن می‌توان نتیجه گرفت که زن بعد از حائض شدن مکلف به نماز می‌گردد. (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۵) در این روایات، بلوغ دختر به حیض شدن تعلیل شده؛ با اینکه در بیشتر موارد حیض شدن پس از بلوغ تحقق می‌یابد. بنابراین، نه سالگی در دختران از آن حیث مطرح بوده است که نوعاً پایین‌ترین سن و حد امکان حیض در دختران بوده و زودتر از ۹ سالگی هیچ دختری بالغ نمی‌شود.

نشانه بلوغ باید دائمی و غالب باشد و روایات نه سال با واقعیت خارجی برابری ندارد و بلوغ نیز به عنوان امری طبیعی و خارجی به معنای آمادگی جسمی برای ازدواج مطرح است. پس نه سال نشانه رسیدن به این آمادگی جسمی و بلوغ است نه رسیدن به سن خاص. قانون کشور ما نیز رسیدن دختران به سن نه سال را نشانه بلوغ می‌داند، در حالی که از طریق اجتهاد پویا می‌توان درک کرد که نه سال برای دختران ما سن مناسبی برای رسیدن به بلوغ نیست و علت اینکه در زمان معصومان علیهم السلام ۹ سالگی سن بلوغ بوده، این است که دختران آن دوران در همین سن نشانه‌های بلوغ را دارا بوده‌اند و بیشتر آنها نشانه‌های حیض و آمادگی برای تولید مثل را در خود داشته‌اند. پس می‌توان گفت: معیار بلوغ، داشتن نشانه‌های آن است نه رسیدن به سن نه سالگی. چه بسا اکثریت دختران در زمان ما در سن نه سالگی هیچ‌یک از نشانه‌های بلوغ را در خود ندارند و اگر نه سالگی را ملاک بلوغ بدانیم، باید بسیاری از آیاتی که حیض را در دختران نشانه بلوغ می‌دانند کنار بگذاریم.

برخی قایل شده‌اند که بلوغ برای هر یک از مسائل زندگی مثل اقتصاد و

ازدواج سن معینی دارد؛ برای مثال، مبنای بلوغ به‌ویژه در ازدواج و روزه نمی‌تواند سن نه سالگی باشد؛ چون دختر نه ساله طاقت روزه ندارد.

نوسان سن قاعدگی در دختران از حدود ۹ تا ۱۷ سالگی و بروز حالت احتلام در پسران از حدود ۱۱ تا ۱۷ سالگی است و این مسئله‌ای است که در جوامع امریکا، چین، انگلیس، ایران و دیگر کشورهای جهان وجود داشته و دارد. (قائمی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱)

بررسی شروع قاعدگی دختران دبیرستان‌های تهران

(به نقل از: مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰)

سن قاعدگی	تعداد	درصد
۹-۹/۹۹	۳	۰/۷۸۷
۱۰-۱۰/۹۹	۲۰	۵/۲۴
۱۱-۱۱/۹۹	۵۱	۱۳/۳
۱۲-۱۲/۹۹	۱۴۳	۳۷/۵
۱۳-۱۳/۹۹	۱۰۶	۲۷/۸
۱۴-۱۴/۹۹	۳۴	۸/۹
۱۵-۱۵/۹۹	۵	۱/۳
۱۶-۱۶/۹۹	۱	۰/۲۶
اعلام نشده	۱۸	۴/۷
جمع	۳۸۱	۱۰۰

اکنون باید دید چرا خداوند متعال برای بلوغ سن تعیین نفرموده، بلکه آن را به آزمایش واگذار کرده است؟ برای پاسخ به این سؤال باید شرایط جغرافیایی جهان را در نظر گرفت و آن اینکه مناطق مختلف زمین دارای آب و هوای یکسان نیست و به تجربه ثابت گشته که در نقاط سردسیر اطفال دیرتر به حد بلوغ

می‌رسند و به عکس، در مناطق گرمسیری کودکان زودتر بالغ می‌شوند و از آن‌رو که دین اسلام دین همهٔ مردم جهان است و برای مردم منطقه خاصی تشریح نشده است، بلکه همه آدیان باید از قواعد و قوانین آن پیروی نمایند و از سوی دیگر، طبایع افراد مختلف و نحوه تغذیه نیز در رشد آدمی مؤثر است، قدرت طفل را بر زناشویی و نکاح که زمان بلوغ اوست به آزمایش و امتحان موقوف کرده است. (مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۳۷)

بیشتر روایات، بلوغ دختران را نه سال دانسته‌اند، ولی با بررسی آنها می‌توانیم دریابیم که شرایط دختران در آن زمان برای بلوغ در سن نه سال مناسب بوده است. به بیان دیگر، سن نه سال برای دختران همان زمان بوده نه همه دختران در همه زمان‌ها و مکان‌ها.

با توجه به اینکه همه عالمان دینی بر این عقیده‌اند که نشانه بلوغ دختران رسیدن به سنی است که آمادگی حمل را پیدا کنند و آن هم با حیض ایجاد می‌شود و دختران در زمان فعلی به طور متعارف از ۱۳ سالگی دارای این نشانه می‌شوند، بنابراین، سن نه سال مناسب برای رسیدن بلوغ در حال حاضر نیست. از این‌رو، از راه اجتهاد پویا و با توجه به شرایط و ویژگی‌های این موضوع می‌توانیم نتیجه بگیریم بلوغ در نه سالگی برای دختران در زمان صدور آن روایات مناسب بوده است نه دخترانی که در این دوره زندگی می‌کنند.

نتیجه

معیار بلوغ دختران سن نیست، بلکه قاعدگی است. حتی اگر نه سالگی را در دختران سن بلوغ بدانیم دلیلی نداریم که سن بلوغ برای تمام تکالیف باشد. در قرآن به صورت صریح سن خاصی برای بلوغ عنوان نشده، بلکه بلوغ با نشانه‌هایی مورد تأکید قرار گرفته است.

شرعاً، عقلاً و عرفاً مرد و زنی را بالغ می‌دانند که امکان تولید مثل در آنها ایجاد شده باشد و چون بلوغ به معنای «رسیدن» است، به جز رسیدن دختر و پسر به مرحله زن و مرد بودن معنای دیگری نمی‌دهد و نشانه روشن و صریح آن هم، حیض در دختر و احتلام در پسر است که با وجود چنین شرایطی امکان تولید مثل در فرد به وجود می‌آید و اگر سن نه سالگی را سن بلوغ دختر می‌دانند به این دلیل است که این سن کمترین سن برای حیض دیدن دختران می‌باشد. بنابراین، در بین اندیشمندان کمتر کسی است که دختر نه ساله را بالغ بداند که بتواند برای ازدواج خود تصمیم بگیرد یا اموال خود را تصرف کند و یا خوب و بد و درست و غلط کارهای خود را به خوبی تشخیص دهد. جالب این است که ما سن رسیدن به بلوغ اجتماعی را هرگز نه سال نمی‌دانیم. به عبارت دیگر، اکثریت جامعه باور دارند که یک دختر ۹ ساله به بلوغ اجتماعی و فکری در امور مربوط به ازدواج و تصرف در اموال نرسیده است، اما در مورد مسائل معنوی و عبادی که کمتر از سایر امور دارای پیچیدگی نیست، او را بالغ و مکلف می‌دانند. به همین دلیل هم یکی از مراجع سن بلوغ را به شرط عدم مشاهده علایم زنانگی در دختران به ۱۳ سال ارتقا داد که موضع‌گیری‌های متفاوتی را به دنبال داشت.

یک دختر نه ساله در صورتی که ازدواج هم کرده باشد نمی‌تواند به صورت مستقل حقوق قانونی خود را پیگیری کند، ولی همین فرد از نظر شرعی یک فرد بزرگسال است که باید تکالیف شرعی را به طور کامل به جا آورد؛ تکالیفی همچون روزه که یک دختر نه ساله با وزن تقریبی ۳۰ کیلوگرم باید ۱۴ تا ۱۶ ساعت در روز تشنگی و گرسنگی و ضعف جسمی را تحمل کند. در صورت ارتکاب هر گونه جرم یا اشتباهی باید در مقابل قانونی جوابگو باشد که تا ۱۸ سالگی حق چندانی برای او قایل نیست. خداوند در آیات ۱۸۵ و ۲۸۶ سوره «بقره» و آیه ۷۸ سوره «حج» به صراحت می‌فرماید: احکام الهی سخت و دشوار نیست و در همه آنها رفاه و سعادت بشر ملحوظ است.

منابع

* قرآن کریم.

۱. حبیبیان، زهره و دیگران؛ سن ازدواج دختران؛ تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۲. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ترجمه محمدجواد غفاری؛ تهران: صدوق، ۱۳۶۷.
۳. صفایی، حسین، حقوق مدنی اشخاص و محجورین؛ چ ششم، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
۴. صفایی، حسین و امامی، اسدالله؛ مختصر حقوق خانواده؛ چ هشتم، تهران: میزان، ۱۳۸۴.
۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ تفسیرالمیزان؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
۶. عاملی، حر؛ وسایل الشیعه؛ بیروت: مکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۷. قائمی، علی؛ دنیای بلوغ؛ تهران: سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰.
۸. کریمی، قاسم؛ «سن بلوغ دختران»؛ مجله تربیت؛ سال هشتم، شماره ۳، آذر ۱۳۷۱.
۹. محمودی، عباسعلی؛ حقوق اسلام؛ تهران: بعثت، ۱۳۶۱.
۱۰. مرعشی، محمدحسین؛ «سن بلوغ دختران»؛ مجله قضایی و حقوقی دادگستری، سال اول شماره ۴، تابستان ۱۳۷۱.
۱۱. معرفت، هادی؛ «بلوغ دختران»؛ مجله الفکر الاسلامی؛ سال اول، شماره ۴ و ۳، ۱۳۷۳.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۳. منتهایی، عباس؛ «سن برای ازدواج»؛ مجله ندا، سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۷۰.
۱۴. منصور، جهانگیر (تدوین)؛ آیین دادرسی مدنی؛ چ ۳۱، تهران: علم روز، ۱۳۸۷.
۱۵. موسوی بجنوردی، محمد؛ «سن بلوغ»؛ مجله فرزانه؛ دوره دوم، شماره ۶، ۱۳۷۴.
۱۶. موسوی غروی، محمدجواد؛ مبانی حقوق در اسلام به ضمیمه رساله بلوغ؛ اصفهان: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳.
۱۷. مهریزی، مهدی؛ بلوغ دختران؛ تهران: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.